

## به نام خدا

## اظهارنظر کارشناسی درباره:

## «طرح الزام دولت به تجدیدنظر در روابط تجاری و اقتصادی با

## کشورهای حامی تروریسم»

## مقدمه

یکی از مؤلفه‌های اساسی سیاست فراآتلانتیک در قبال ایران پس از روی کار آمدن دولت جدید آمریکا، تغییر نقش اروپا و آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران است. بر این اساس شاهد یک تقسیم کار معین هستیم که براساس آن و برعکس گذشته، اروپا نقش پلیس بد و آمریکا نقش پلیس خوب را بازی می‌کند. از نظر آمریکا شدت گرفتن سیاست اروپا در قبال ایران و به تبع آن فاصله گرفتن آنها از ایران در واقع هزینه سیاست خارجی جدید آمریکاست که مبتنی بر تعامل و مذاکره با ایران است. به عبارت دیگر از نظر تیم جدید سیاست خارجی و امنیت ملی اوباما، از آنجا که آمریکا مجبور به نزدیک شدن به ایران است و در عین حال باید تلاش کرد که این نزدیکی به معنای ضعف غرب در برابر ایران تفسیر نشود لازم است که رویکرد اعمال فشار بر ضد جمهوری اسلامی ایران همچنان تداوم پیدا کند و این کار نیز باید توسط متحد آمریکا یعنی اروپا انجام شود. در کنار این واقعیت شاهد این مسئله هستیم که دولت جدید اوباما در کنار تشدید سیاست‌های ضد ایرانی خود در عرصه حقوق بشر، در صحنه مبارزه با تروریسم هم‌راستا با منافع ایران حرکت کرده است. نمونه واضح این مسئله را می‌توان در ابقای سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در فهرست گروه‌های تروریستی و الحاق سازمان پژاک به این لیست مشاهده کرد.

این در حالی بود که اتحادیه اروپا نام منافقین را از فهرست گروه‌های تروریستی خارج کرد. بدین ترتیب آمریکا به دنبال بیان این مسئله که در عرصه مبارزه با تروریسم آماده همکاری با ایران است اما از آنجا که به هر حال منافقین دارای ارزش برای غرب هستند با یک تقسیم کار جدید، وظیفه تأمین و حفاظت از آنها را به عهده اروپا گذاشته و خود آماده همگرایی امنیتی با جمهوری اسلامی ایران شده است.

## دلیل ارائه طرح

براساس متن طرح، علت ارائه این طرح آن است که: «برخی از کشورهایی که میلیاردها یورو با جمهوری اسلامی ایران روابط تجاری و اقتصادی دارند و هزاران نفر کارگر کارخانه‌های آنها با بهره‌گیری از سود این روابط به اشتغال رسیده‌اند از گروه‌های تروریستی معارض جمهوری اسلامی ایران حمایت کرده و کلیه قوانین ناظر مخالفت با تروریسم را نقض نموده و سیاست مقابله با جمهوری اسلامی ایران را پیش گرفته‌اند».

## هدف طرح

هدف طرح عبارت است از: «الزام دولت به تجدیدنظر و محدود کردن روابط تجاری و اقتصادی خود با کشورهای حامی تروریسم».

## ارزیابی

در ابتدا باید گفت که طرح مزبور به لحاظ صوری چند اشکال دارد:

۱. از آنجا که این اتحادیه اروپا بوده که نام گروه منافقین را از لیست تروریسم حذف کرده است، لذا قاعداً این طرح باید راجع به اتحادیه اروپا به عنوان یک کل باشد. این در حالی است که در متن حاضر به صورت کلی به «کشورهایی که از تروریسم حمایت می‌کنند» اشاره شده که می‌تواند بسیاری دیگر از کشورها در قاره‌های دیگر را نیز دربر بگیرد.
۲. از آنجا که تروریسم به مصداق آن (در اینجا منافقین) تخصیص نخورده و تعریف نشده است در این قسمت نیز ابهام وجود دارد و باید به صورت مشخص و عینی به مخاطب خود اشاره شود. در عین حال باید توجه کرد که جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر هیچ تعریف رسمی از تروریسم ارائه نداده است و بنابراین کشورهای حامی تروریسم نیز مبهم بوده و عملاً با واگذاری تشخیص آن به دولت، طرح قانونی بی‌اثر شده است.
۳. طرح مذکور در زمینه تعیین ماهیت و مفهوم تجدید نظر، زمان اعمال قانون و نوع مجازات‌های پیش‌بینی شده نیز مبهم است.

از طرف دیگر در ارزیابی این طرح باید به پیامدهای سیاسی و اقتصادی آن توجه کرد. براساس آمار سال ۲۰۰۷ در حالی که اتحادیه اروپا اولین شریک تجاری، مقصد صادرات و مبدأ واردات ایران بوده جمهوری اسلامی ایران به ترتیب بیست‌وهفتمین، بیست‌وهشتمین و بیست‌ویکمین شریک اتحادیه اروپا بوده است. در سال ۲۰۰۸ به خاطر تشدید تحریم‌ها علیه ایران، چین و امارات به شرکای اصلی تجاری و اقتصادی ایران تبدیل شد ولی در عین حال وابستگی ایران به اروپا از بین نرفت.

### بزرگ‌ترین شرکای تجاری ایران از لحاظ ارزش واردات طی نه‌ماهه اول سال ۱۳۸۷

ردیف	نام کشور	وزن (هزار تن)	ارزش (میلیون دلار)	درصد سهم ارزش	
				از کل واردات	درصد تغییرات
۱	امارات متحده عربی	۸۰۶۲/۶	۱۰۶۷۲/۲	۲۵/۱	۷/۵
۲	آلمان	۲۱۸۵/۴	۴۱۴۷/۸	۹/۸	۵/۴
۳	چین	۱۸۳۴/۷	۳۷۶۶/۰	۸/۹	-۱۹/۸
۴	سوئیس	۳۸۷۸/۵	۲۴۵۳/۰	۵/۸	۶/۶
۵	جمهوری کره	۱۲۷۹/۹	۲۳۸۳/۹	۵/۶	۲۸/۰
۶	انگلستان	۱۷۸۴/۸	۱۵۷۸/۸	۳/۷	-۷/۷
۷	فرانسه	۴۰۶/۲	۱۵۳۲/۴	۳/۶	۳۵/۷
۸	هند	۱۱۷۸/۷	۱۵۱۳/۶	۳/۶	۸/۹
۹	ایتالیا	۱۹۴/۶	۱۴۳۶/۹	۳/۴	-۱۷/۸
۱۰	ترکیه	۶۸۰/۹	۱۰۹۱/۲	۲/۶	۲۸/۹
	جمع	۲۱۴۸۶/۳	۳۰۵۷۵/۸	۷۲	۴/۹

براساس جدول مذکور در این گزارش:

۱. طی نه‌ماهه سال ۱۳۸۷ بالاترین میزان واردات کالا از حیث ارزش مربوط به کشور امارات بوده و سهم ارزی واردات ایران از این کشور معادل ۲۵/۱ درصد است.

۲. رتبه دوم در میان کشورها از لحاظ ارزش واردات مربوط به کشور آلمان و با سهم ارزشی ۹/۸ درصد است.

۳. کشور چین با سهم ارزش ۸/۹ درصد، سوئیس با ۵/۸ درصد و جمهوری کره با ۵/۶ درصد رتبه‌های بعدی از لحاظ ارزش واردات به کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

۴. سهم ارزش واردات ایران از ده کشور مذکور در حدود ۷۲ درصد است.

۵. از ده کشور برتر در تجارت ایران، پنج کشور جزء اتحادیه اروپا هستند و روی هم رفته ۲۶/۴ درصد از ارزش واردات ایران را تأمین می‌کنند.

بر این اساس به نظر می‌رسد که کم کردن روابط تجاری با این کشورها می‌تواند آثاری در حوزه اقتصادی کشور داشته باشد که تبعات آن باید با دقت مورد بحث قرار گیرد. این در حالی است که بیشتر اقلام وارداتی ایران مواد اصلی و قطعات صنعتی است که ایران به منظور تولید صنعتی خود وارد می‌کند و جنبه لوکس یا مصرفی صرف ندارد. با وجود این در طرح مذکور علاوه بر روابط تجاری، بر لزوم محدود کردن روابط اقتصادی نیز تأکید شده است. باید توجه داشت که روابط اقتصادی مسائلی مثل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و امثال آن را نیز شامل می‌شود که می‌تواند اجرای برخی پروژه‌های اقتصادی را متوقف یا کند، کند. از سوی دیگر ایجاد محدودیت در روابط تجاری و اقتصادی آسیب‌هایی را نیز برای ایران در زمینه ورود دستاوردهای علمی و تحقیقاتی به خصوص در تکنولوژی بالا یا پزشکی دارد. به علاوه آثار این تصمیمات بر قراردادهای تجاری که از قبل هماهنگ شده، هزینه‌هایی را بر اقتصاد داخلی وارد می‌کند. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که ارائه حکمی کلی بدون تعیین ماهیت و مفهوم تجدید نظر، تعریف مشخص کشورهای هدف، زمان اعمال قانون، نوع مجازات‌های پیش‌بینی شده و ... مناسب نیست. به علاوه یکی دیگر از مواردی که به طور دقیق در بررسی آثار و امکان اجرایی شدن وضع محدودیت‌های تجاری باید مورد توجه قرار گیرد، قراردادها و موافقت‌نامه‌های دوجانبه یا چندجانبه یا همکاری‌های بین‌المللی است. در بسیاری از مقوله‌نامه‌هایی که میان ایران و کشورهای دیگر منعقد می‌شود شرایط مربوط به مبادلات دو طرفه مشخص شده و کشورها به رعایت مقررات مذکور مکلف شده‌اند. اعمال محدودیت و ممنوعیت در روابط تجاری با این‌گونه کشورها احتمالاً تبعاتی را به لحاظ روابط سیاسی در پی خواهد داشت که لازم است پیش‌بینی و مورد توجه قرار گیرد.

این طرح عملاً بسیاری از تجار و بازرگانان بخش خصوصی این کشورها را که ممکن است با سیاست‌های هیئت حاکمه مخالف باشند را نیز دربرمی‌گیرد و هیچ پیش‌بینی در مورد محدودیت‌های روابط تجاری و اقتصادی با بخش‌های دولتی و تفکیک بخش‌ها و شرکت‌های خصوصی از آنها ندارد.

اما به لحاظ سیاسی باید گفت که ایران در دوره کنونی و به خصوص بعد از روی کار آمدن باراک اوباما به شدت درگیر تلاش جهت تضعیف رژیم تحریم‌ها علیه ایران را مدنظر دارد در حالی که اروپا نیز به شدت به دنبال تقویت این رژیم است. اکنون زمزمه‌هایی مبنی بر استقرار یک هیئت از سازمان ملل در امارات برای نظارت بر حسن اجرای رژیم تحریم‌ها علیه ایران شنیده می‌شود. از طرف دیگر ایران تلاش می‌کند با استفاده از شکاف‌های موجود بین اعضای اتحادیه اروپا و همچنین شکاف موجود بین جامعه صنعتی و تجاری داخل این کشورها با دولت‌های آنها این رژیم را تضعیف کند. نمونه

بارز این تلاش‌ها را می‌توان در عقد قرارداد انرژی بین ایران و سوئیس و همچنین تنش بین جامعه تجاری و دولت در آلمان مشاهده کرد. به عبارت خیلی ساده ایران به دنبال سیاست «تحریم‌شکنی» است که شامل اقداماتی مثل غیرقانونی اعلام کردن قطعنامه‌های شورای امنیت، جایگزینی آژانس به جای شورای امنیت در پرونده هسته‌ای و در نهایت دور زدن تحریم‌های چندجانبه یا یکجانبه علیه ایران است.

### **نتیجه‌گیری**

با توجه به مباحث طرح شده، اگرچه در خصومت غرب با نظام جمهوری اسلامی ایران شکی نیست؛ اما طرح مذکور علاوه بر ابهام‌ها در عبارات، به لحاظ تعیین آثار تجاری و اقتصادی آن نیازمند بررسی بیشتر و عینی کردن آن است. ضمن اینکه طرح با سیاست کلی تلاش برای تحریم‌شکنی ایران در تضاد است و می‌تواند منجر به آثار جدی در فرایند اقتصادی و تجارت کشور شود، لذا به نظر می‌رسد به مصلحت باشد تا تصمیم‌گیری برای تصویب یا رد آن با بررسی دقیق و عینی آثار و تبعات اقتصادی و تجاری آن و امکان جایگزینی شرکای جدید اقتصادی و تجاری به نحو واقعی صورت گیرد تا عواقب اجرای آن به خوبی قابل پیش‌بینی باشد والا ممکن است عواقب سوء اقتصادی آن بیش از فواید سیاسی آن باشد.